

### یادداشت

## تداوم دیپلماسی در لبه بحران چرا ایران و آمریکا به نقطه خطر نزدیک می شوند؟



محسن شریف‌خدائی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

آغازگری جنگ با هر هدفی - حتی اگر ساده و کنترل‌پذیر به نظر برسد - همواره با پایانی مبهم و پیامدهایی پیش‌بینی‌ناپذیر همراه است. تاریخ بارها نشان داده که ورود به مناظره آسمان‌تر از خروج از آن است؛ به‌ویژه زمانی که سیاست، نمایش قدرت و محاسبات داخلی، جایگزین عقلانیت شود.

تحولات اخیر خاورمیانه بار دیگر نشان داد که چگونه تجاوزی آشکار می‌تواند به‌سرعت به مسئله‌ای با پیامدهای منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود. تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل -برای دومین بار در یک سال اخیر- به ایران با وجود گشتار و خرابی‌های فراوان نتهتا به نتایج مطلوب طراحان آن ختم نشد، بلکه با واکنش گسترده نظامیان در دفاع جانانه از کشور و مقاومت آحاد مردم سراسر ایران مواجه شد. این تقابل، به جنگی ۴۰روزه انجامید که در نهایت با آتش‌بس دو هفته‌ای با میانجیگری دولت دوست پاکستان موقتا متوقف شد.

تحولات اخیر در روابط میان ایران و آمریکا، نمونه‌ای گویا از این واقعیت است؛ جایی که شکست مذاکرات، هم‌زمان با افزایش تنش‌های میدانی، جهان را به لبه یک بحران گسترده‌تر سوق داده است.

رفتار کاخ سفید یک سیاست خارجی و دیپلماسی متزلزل را ارائه می‌دهد؛ دیپلماسی‌ای که بیش از آنکه بر حل‌وفصل اختلافات متمرکز باشد، بیشتر از نمایشی از قدرت و پیام‌های نمادین از سوی دونالد ترامپ حکایت دارد.

در شرایطی که جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، پس از ۱۱ ساعت مذاکره با هیئت بلندپایه ایرانی در اسلام‌آباد از نبود توافق سخن می‌گوید و هم‌زمانی آن با حضور دونالد ترامپ در یک رویداد ورزشی در آمریکا، به‌عنوان نشانه‌ای از نبود تمرکز بر امر دیپلماسی در واشنگتن تعبیر می‌شود. این تصویر، نتهتا در تهران، بلکه در میان متحده ایالات نیز تردیدهایی درباره جدیت آمریکا در مذاکرات حل‌وفصل مسائل و مشکلات با ایران ایجاد کرده است.

ریشه اصلی بن‌بست کنونی را باید در شکاف عمیق رویکرد طرف آمریکایی در زیاده‌خواهی‌های ترامپ- و تمکین‌نکردن به تضمین‌های متقابل و رسیدن به یک توافق مرضی‌الطرفین جست‌وجو کرد. آمریکا خواستار حذف کامل ظرفیت باقیووه ایران برای غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای تحت نظر آژانس است. درحالی‌که ایران، بر حق خود برای بهره‌مندی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید دارد. پیشنهاد «نهایی» واشنگتن، از منظر نظامی، نه یک چارچوب مذاکره، بلکه نوعی تحمیل شرایط و نوعی تسلیم بدون قیدوشرط تلقی می‌شود. در سوی دیگر، ایران نیز مجموعه‌ای از مطالبات حداکثری -از رفع کامل تحریم‌ها تا دریافت غرامت و اعمال کنترل بر تنگه هرمز- را مطرح کرده که تحقق آنها در کوتاه‌مدت شاید دشوار باشد. در چنین فضایی، مذاکرات نه به‌عنوان ابزاری برای مصالحه، بلکه به صحنه‌ای برای اعلام مواضع تبدیل شده است.

بُعد ژئوپلیتیکی بحران، اهمیت آن را دوچندان می‌کند. تنگه هرمز، به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان، نقشی کلیدی در ثبات بازارهای نفت و گاز دارد. هرگونه اختلال در این مسیر -به‌ویژه در قالب محاصره دریایی که ترامپ به‌تازگی ایران را تهدید کرده- می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه خلیج فارس داشته باشد و اقتصاد جهانی را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. افزایش قیمت انرژی، نتهتا دولت‌ها، بلکه شهروندان عادی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد؛ موضوعی که برای سیاست‌مداران آمریکایی، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، اهمیت بسزایی دارد.

دراین‌میان، نقش بازیگران ثالث نیز تعیین‌کننده است. تحولات در جنوب لبنان و درگیری‌های مرتبط با اسرائیل و حزب‌الله، نشان می‌دهد که بحران ایران و آمریکا در خِلا رُخ نمی‌دهد، بلکه در زمینه‌ای از رقابت‌های منطقه‌ای پیچیده قرار دارد. هرگونه تشدید در یک جبهه، می‌تواند به‌سرعت به دیگر جبهه‌ها سرایت کند و دامنه درگیری را گسترش دهد.

با این‌حال، شاید مهم‌ترین نکته، تغییر تدریجی «منطق حاکم بر بحران» باشد. زمانی که مذاکرات به بن‌بست می‌رسد و اعتماد متقابل وجود ندارد، دیپلماسی جای خود را به منطق بازدارندگی و نمایش قدرت می‌دهد. در چنین شرایطی، اقدامات نمادین -از استقرار نیروها و محاصره دریایی تا تهدیدهای لفظی- به‌تدریج می‌تواند به برخوردی واقعی و درگیری مجدد منجر شود.

باوجوداین هنوز پنجره دیپلماسی به طور کامل بسته نشده و همچنان «گفت‌وگو بهتر از جنگ است». حتی یک توافق ناقص نیز می‌تواند از تشدید بحران جلوگیری کرده و زمان لازم برای یافتن راه‌حل‌های پایدارتر را فراهم بیاورد. اما تحقق چنین توافقی، مستلزم تغییر در رویکرد هر دو طرف است؛ کاهش مطالبات حداکثری، پذیرش واقعیت‌های متقابل و بازگشت به منطق مصالحه.

چشم‌انداز پیش‌رو نه‌ه کاملاً تاریک است و نه امیدوارکننده. در کوتاه‌مدت، احتمال تداوم بن‌بست و حتی تشدید تنش‌ها و جنگ مجدد وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه تلاش شود از طریق فشار نظامی یا اقتصادی، دیگری را به عقب‌نشینی وادار کند. با این حال، به نظر می‌رسد هزینه‌های بالای درگیری -برای هریک و برای منطقه و نظام بین‌الملل- به گونه‌ای است که در نهایت طرفین را به سمت نوعی از مذاکره بازخواهد گرداند.

واقعیت این است که در چنین بحران‌هایی، «پیروزی مطلق» مفهومی توهمی است. نه آمریکا می‌تواند بدون هزینه‌های سنگین اراده خود را تحمیل کند و نه ایران قادر است بدون تعامل با همسایگان و نظام بین‌الملل، به ثبات پایدار دست یابد؛ بنابراین محتمل‌ترین مسیر، «نه جنگی تمام‌عیار و نه صلحی کامل» است؛ بلکه نوعی «مدیریت بحران» از طریق توافقات محدود و موقت درحال‌حاضر خواهد بود.

در نهایت، آنچه تعیین‌کننده است، نه نمایش کامل قدرت، بلکه توانایی تبدیل تقابل به گفت‌وگو است؛ پیش از آنکه منطق جنگ، جایگزین کامل منطق دیپلماسی شود.

مهدی بازرگان؛ در حالی که تنها سه روز از شکست مذاکرات ایران و آمریکا، آن هم به دلیل «زیاده‌خواهی‌های واشنگتن» می‌گذرد، ایالات متحده از روز دوشنبه مدعی آغاز یک «محاصره دریایی» علیه ایران شده است؛ اقدامی که به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل شده و نگرانی‌ها درباره امنیت انرژی جهانی را افزایش داده است. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که نشانه‌های متناقضی از مسیر آینده بحران به چشم می‌خورد. از یک سو، واشنگتن با انتقال تمرکز درگیری از حوزه هوایی به دریا و اعمال فشار بر صادرات انرژی ایران، به‌دنبال تشدید فشار اقتصادی است و از سوی دیگر، گزارش‌های رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، رویترز و فایننشال‌تایمز حاکی از آن است که تماس‌های دیپلماتیک میان دو طرف نه‌تنها متوقف نشده بلکه حتی به مراحل پیشرفته‌ای نیز رسیده است و امکان دور دیگر مذاکرات و حتی حصول توافق بین دو طرف وجود دارد. در همین چارچوب، مقامات ارشد کشورمان از جمله مسعود یزشکیان، رئیس‌جمهور و حجت‌الاسلام محسنی‌زاده‌ای، رئیس قوه قضائیه، ضمن تأکید بر آمادگی برای مذاکره، تحقق هرگونه توافق را مشروط به احترام به حقوق ملت ایران دانسته‌اند. هم‌زمان، ماینجیرگان منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله پاکستان، ترکیه و نیز سوئیس تلاش‌های خود را برای احیای گفت‌وگوها افزایش داده‌اند. بر این اساس، اگرچه نشانه‌های میدانی و سیاسی از تداوم و حتی تشدید تنش حکایت دارد، اما هم‌زمان «افق دیپلماسی» همچنان باز است و احتمال آغاز دور جدیدی از مذاکرات میان تهران و واشنگتن، آینده‌ای متفاوت از مسیر فعلی بحران را ترسیم می‌کند.

#### آغاز محاصره دریایی؛ تغییر میدان تقابل از آسمان به دریا

به دنبال ناکامی مذاکرات شنبه و یکشنبه هفته جاری در اسلام‌آباد، دونالد ترامپ با صدور دستوری تازه، مأموریت‌های پیچیده‌تری را به نیروی دریایی ایالات متحده محول کرده است؛ مأموریت‌هایی که به گفته رسانه‌ها شامل محاصره بنادر ایران و پاکسازی تنگه هرمز از مین‌های دریایی است. شبکه سی‌ان‌ان گزارش داده که اگر تصمیم نشان‌دهنده تغییر راهبردی در نوع درگیری از عملیات هوایی به تقابل دریایی می‌بیند، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز دوشنبه اعلام کرده که این محاصره از ساعت ۱۴:۰۰ به وقت گرینویچ (۱۷:۳۰ به وقت تهران) آغاز شده و تمامی بنادر ایران، چه در داخل تنگه هرمز و چه خارج از آن را در بر می‌گیرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، در یادداشت ابلاغی سنتکام تأکید شده که این محاصره شامل تمام تردد کشتی‌ها، صرف‌نظر از پرچم آنها خواهد بود و هر کشتی که بدون مجوز وارد منطقه شود، ممکن است توقیف یا مسیر آن تغییر داده شود. ترامپ نیز در پیامی در شبکه اجتماعی خود مدعی شد حتی کشتی‌هایی که به ایران «عوارض» پرداخت کرده باشند، در او همچنین بین‌المللی هدف رهگیری و توقیف قرار خواهند گرفت. او همچنین مدعی شد با یکصد عمده‌ای از تون دریایی ایران نابود شده است؛ ادعایی که با واکنش‌های تند مواجه شد.

هدف اصلی این اقدام، به گفته تحلیلگران و از جمله دیوید ایگناتیوس، ستون‌نویس واشنگتن‌پست، افزایش فشار اقتصادی بر ایران از طریق قطع درآمد‌های نفتی است، نه لزوماً گسترش درگیری نظامی. ایگناتیوس تأکید می‌کند که ترامپ تمایلی به ورود به یک جنگ گسترده ندارد و محاصره را بیشتر به عنوان ابزار فشار برای کساندن ایران می‌بیند. وراشنگتن‌پست این را هم نوشت که «محاصره قطعا یک تاکتیک فشار است، اما عمدتاً نظامی نیست. چون ترامپ تمایلی به درگیری مسلحانه بیشتر ندارد. او می‌داند که مزایا محدود است و ریسک دنباله‌دار بزرگ است. ضمن اینکه یک حمله زمینی ممکن است آمریکا را به باتلاق بکشاند». در کنار این، محاصره دریایی، واشنگتن مدعی آن است که عملیات نمایشی در تنگه هرمز نیز آغاز شده است. سنتکام اعلام کرده دو ناوشکن موشک‌انداز آمریکایی برای فراهم‌سازی شرایط پاکسازی مین‌ها وارد این منطقه شده‌اند. این در حالی است که تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود و هرگونه اختلال در آن می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای بازارهای جهانی داشته باشد. هم‌زمان با این تحولات، قیمت نفت نیز واکنش مثبت داده است؛ به‌گونه‌ای که به گزارش بلومبرگ، بهای نفت برنت تا بیش از ۱۰۳ دلار در هر بشکه افزایش یافت و سپس اندکی کاهش پیدا کرد. همچنین قیمت گاز در اروپا جهش قابل توجهی را تجربه کرد که نشان‌دهنده حساسیت بالای بازار انرژی به تحولات این منطقه است.

#### واکنش‌ها به محاصره: از مخالفت اروپا تا هشدار چین و پاسخ ایران

اعلام محاصره دریایی ایران با واکنش‌های گسترده بین‌المللی همراه شد؛ به‌ویژه از سوی متحدهن اروپایی آمریکا که از مشارکت در این طرح خودداری کردند. بر اساس گزارش‌ها، کشورهای مانند آلمان، اسپانیا، ایتالیا، لهستان و یونان صراحتاً اعلام کردند که نیروی دریایی خود را برای حمایت از این اقدام اعزام نخواهند کرد. در این میان، کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی تأکید کرد که کشورش از محاصره حمایت نمی‌کند و وارد جنگ نخواهد شد. این موضع‌گیری نشان‌دهنده شکاف در میان اعضای ناتو درباره نحوه مواجهه با بحران ایران است. از سوی دیگر، چین نیز واکنش تندی به این اقدام نشان داد.

دونگ جون، وزیر دفاع چین هم با تأکید بر ادامه تردد کشتی‌های چینی در تنگه هرمز اعلام کرد که پکن به توافقات انرژی و تجاری خود با ایران پایبند خواهد ماند. همچنین گو جیاگون، سخنگوی وزارت خارجه چین، این محاصره را برخلاف منافع جامعه بین‌المللی دانست و خواستار حفظ ثبات و عبور آزاد در این مسیر شد. در داخل ایران نیز واکنش‌ها شدید و صریح بوده است. سخنگوی قراگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص) این اقدام را «غیرقانونی و مصداق زردی دریایی» توصیف کرد و هشدار داد که امنیت در خلیج فارس باید برای همه یا هیچ‌کس باشد. بخش راستی آزمایی بی‌بی‌سی هم با استناد به داده‌های مؤسسه «مارین‌ترافیگ» گزارش داده که با وجود ادعای ترامپ درباره محاصره کامل دریایی، دست‌کم چهار کشتی مرتبط با ایران پس از آغاز این محاصره از تنگه هرمز عبور کرده‌اند. از این میان، دو

کشتی به بنادر ایران تردد داشته‌اند. کشتی‌هایی مانند «کرستینا»، «ریچ استاری»، «مورلیکیشان» و «الپیس» در مسیرهای مختلف از این تنگه عبور کرده‌اند. برخی از این شناورها تحت تحریم بوده‌اند و احتمال داده شده برای پنهان‌کاری، موقعیت خود را به‌صورت نادرست گزارش کرده باشند. در سطح سیاسی نیز محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، با انتشار پیامی کنایه‌آمیز نسبت به پیامدهای اقتصادی این اقدام برای آمریکا هشدار داد و افزایش قیمت بنزین را نتیجه مستقیم چنین سیاست‌هایی دانست. همچنین مسعود یزشکیان، رئیس‌جمهور، در پیامی اعلام کرد که اگر آمریکا از «تمامیت‌خواهی» دست بردارد، راه برای دستیابی به توافق باز خواهد بود. او در گفت‌وگوی تلفنی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز بر آمادگی ایران برای رسیدن به توافقی عادلانه تأکید کرد و در عین حال، سیاست‌های دوگانه غرب را مانع اصلی پیشرفت مذاکرات دانست.

#### زومه‌های جدی مذاکره: اسلام‌آباد یا ژنو؟

در حالی که تنش‌ها در میدان در حال افزایش است، به‌طور هم‌زمان نشانه‌های متعددی از احتمال آزرگیری مذاکرات میان ایران و آمریکا دیده می‌شود. خبرگزاری آسوشیت‌پرس به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داده که دو طرف پیش‌تر برای برگزاری دور جدیدی از مذاکرات به توافق رسیده‌اند و احتمال دارد این نشست در روزهای آینده برگزار شود. بر اساس این گزارش، اسلام‌آباد بار دیگر به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی میزبانی مطرح است، هرچند ژنو در سوئیس نیز همچنان یک گزینه جدی به شمار می‌رود. در همین حال، وزارت خارجه سوئیس مطالعاتی را برای میانجیگری و تسهیل گفت‌وگوها اعلام کرده است. به ادعای ایرنا، یک منبع دیپلماتیک در اسلام‌آباد اعلام کرد که تبادل پیام میان ایران و پاکستان پس از مذاکرات اخیر ادامه دارد و پاکستان همچنان بر نقش میانجیگرانه خود تأکید دارد. با این حال، این منبع و دیگر منابع دیپلماتیک تصریح کردند که هنوز هیچ تصمیم رسمی درباره زمان و مکان دور بعدی مذاکرات گرفته نشده است. گمانه‌زنی‌ها درباره برگزاری مذاکرات در اسلام‌آباد یا دیگر شهرها تأیید نشده‌اند. همچنین سفر پیش‌روی شهباز شریف به عربستان و ترکیه باعث شده برخی رسانه‌ها زمان احتمالی مذاکرات را پیش از این سفر مطرح کنند، در حالی که گزینه‌هایی مانند آنکارا، ژنو یا اسلام‌آباد همچنان در حد احتمال باقی مانده‌اند. رویترز به نقل از منابع گاه‌گزارش داده که احتمال برگزاری دور جدید مذاکرات میان ایران و آمریکا در همین هفته یا اوایل هفته آینده وجود دارد. دو منبع پاکستانی نیز اعلام کرده‌اند که اسلام‌آباد در حال هماهنگی با تهران و واشنگتن درباره زمان این مذاکرات است و احتمالاً این دیدار در آخر هفته برگزار می‌شود. یک مقام پاکستانی همچنین از دریافت «پاسخ مثبت» از سوی ایران خبر داده که نشان‌دهنده آمادگی برای دور دوم گفت‌وگوهاست. شبکه العربیه نیز این احتمال را به نقل از یک مقام پاکستانی تأیید کرده است.

سخنگوی وزارت خارجه قطر اعلام کرد که از تلاش‌های پاکستان برای میانجیگری بین ایران و آمریکا حمایت می‌کنیم. به گفته قطری‌ها در حال حاضر تماس‌های فشرده منطقه‌ای برای تضمین موفقیت تلاش‌های میانجیگری و کاهش تنش در جریان است و ما منتظر تأیید دور جدید مذاکرات در پاکستان هستیم و از این تلاش‌های دیپلماتیک حمایت می‌کنیم. از سوی دیگر خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان هم تأکید کرده که انتظار می‌رود دور جدید مذاکرات «به‌زودی» آغاز شود. همچنین یک منبع دولتی پاکستانی به خبرگزاری آتاتولی گفته که این مذاکرات در سطحی بلندپایه برگزار خواهد شد، هرچند زمان دقیق آن هنوز مشخص نیست. گزارش‌های رسانه‌های از جمله رویترز و سی‌بی‌سی نیز نیز حاکی از آن است که تماس‌ها میان دو طرف حتی پس از شکست مذاکرات قبلی ادامه داشته و روندی «رو به جلو» برای دستیابی به توافق در جریان است. فایننشال‌تایمز به نقل از یک منبع پاکستانی خبر داد که فرمانده ارتش پاکستان در تلاش است تا زمینه‌های مشترکی بین پیشنهاددهای آمریکا و ایران در مورد اورانیوم پیدا کند. به گفته یک منبع آگاه، در نشست اسلام‌آباد، حتی تا ۸۰ درصد از مفاد توافق احتمالی پیش از توقف مذاکرات نهایی شده بود. در همین راستا، سی‌ان‌ان گزارش داده که مقامات در حال بررسی تاریخ‌ها و مکان‌های مختلف برای برگزاری نشست جدید هستند و احتمال تمدید آتش‌بس نیز به پیشرفت این مذاکرات بستگی دارد.

در شرایطی که هم‌زمان نشانه‌های تشدید تنش و تلاش برای مذاکره دیده می‌شود، تحلیلگران معتقدند وضعیت کنونی بیش از هر زمان دیگری به یک «بازی دوگانه» میان فشار و دیپلماسی شباهت دارد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، تأکید کرده که واشنگتن به اهداف میدانی خود دست یافته و ترجیح می‌دهد جنگ را با یک توافق «بزرگ و موفق» به پایان برساند. این اظهارات نشان می‌دهد که حتی در داخل دولت آمریکا نیز تمایل به پایان‌دادن به درگیری از طریق مسیر سیاسی وجود



دارد. درعین‌حال، فشارهای داخلی در آمریکا نیز در حال افزایش است. جاک شومر، رهبر اقلیت سنای آمریکا، عملیات نظامی اخیر را «شکست حماسی» توصیف کرده و تلاش کرده اختیارات نظامی ترامپ را محدود کند. در سطح منطقه‌ای نیز، کشورهایی مانند عربستان سعودی خواستار پایان محاصره و بازگشت به مذاکرات شده‌اند. زیرا نگران گسترش تنش به سایر مسیرهای حیاتی کشتی‌رانی مانند باب‌المندب هستند، بنابراین باید گفت که درحال‌حاضر آینده این بحران در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است؛ یا مسیر تشدید تنش ادامه خواهد یافت یا دیپلماسی که هنوز زنده است، می‌تواند راهی برای خروج از این بن‌بست پیچیده بیابد.

#### محمدصالح صدقیان: در عین خوش‌بینی به مذاکرات پیش‌رو، باید هوشیار بود

در شرایطی که هم‌زمان با تشدید تنش‌ها در خلیج فارس و اعلام «محاصره دریایی» از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، زمزمه‌های جدی از آغاز دور جدیدی از مذاکرات میان تهران و واشنگتن به گوش می‌رسد، تحلیل سناریوی پیش‌روی آمریکا و آینده این تقابل بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. محمدصالح صدقیان در گفت‌وگو با «شرق» با نگاهی نوآمان واقع‌گرایانه و محتاطانه، ضمن ابراز خوش‌بینی درباره مسیر دیپلماسی، درباره تکرار مشکلات پریسک گذشته هشدار می‌دهد. رئیس مرکز عربی مطالعات ایران و باسج به این پرسش که هدف آمریکا از اعمال محاصره دریایی چیست و آیا می‌توان آن را در چارچوب فشار برای بازگشت به مذاکرات تحلیل کرد، باور دارد که «رفتارهای اخیر ترامب نشان می‌دهد او تحت فشار سنگینی قرار دارد. از یک سو فشارهای بین‌المللی اعم از کشورهای اروپایی، ناتو و متحده منظره‌ای آمریکا افزایش یافته و از سوی دیگر، مسائل مربوط به بازار انرژی، قیمت نفت و امنیت اقتصادی جهان به‌شدت برجسته شده است». کارشناس مسائل خاورمیانه با اشاره به ادبیات تند و غیرمتعارف رئیس‌جمهور آمریکا در تصمیمات مذاکرات در جریان بود، بسیاری از تحلیلگران آمریکایی هم نمی‌دانند که ترامپ دقیقاً چه سناریویی را دنبال می‌کند، بنابراین به باور تحلیلگر ارشد جهان عرب، محاصره دریایی را باید در چارچوب «فشار ترکیبی» تحلیل کرد؛ فشاری که هم‌زمان با حفظ نظر این‌کارهای نظامی، به دنبال کساندن ایران به میز مذاکره است. به گفته کارشناس حوزه بین‌الملل، «این احتمال وجود دارد که ترامپ در حال خرید زمان باشد، یعنی از یک سو فشار را افزایش دهد و از سوی دیگر، مسیر مذاکره را باز نگه دارد. بنابراین نمی‌توان با قطعیت گفت که آمریکا صرفاً به سمت توافق می‌رود». رئیس مرکز عربی مطالعات ایران-رئیس مرکز عربی گفت‌وگو با «شرق» می‌کند که «فضای کنونی مذاکرات مثبت است، اما نباید دچار خوش‌بینی مطلق شد. بله، ما در مسیر مذاکرات فعال هستیم و این یک نکته مثبت است. حتی ممکن است در روزهای آینده دور جدیدی از گفت‌وگوها برگزار شود. اما این به معنای آن نیست که همه چیز به سمت توافق قطعی پیش می‌رود. گزینه‌های دیگر همچنان روی میز هستند». کارشناس ارشد غرب آسیا با اشاره به تجربه‌های گذشته هشدار می‌دهد «ما تجربه مذاکرات پیش از جنگ ۱۱روزه و حتی قبل از جنگ رمضان را داریم. در هر دو مورد، درحالی‌که مذاکرات در جریان بود، ناگهان درگیری نظامی رخ داد، بنابراین نباید این احتمال را نادیده گرفت که در میانه مذاکرات جاری نیز اتفاقات غیرمنتظره‌ای رخ دهد». صدقیان در پاسخ به این پرسشش که آیا احتمال اقدام نظامی مجدد در قالب حمله زمینی وجود دارد، تصریح می‌کند که «این گزینه‌ها همچنان مطرح هستند. حتی اگر احتمال آن کم باشد، اما نمی‌توان آن را صرف دانست. ما باید هم‌زمان به به مذاکرات امیدواریم. برای سناریوهایی بدبینانه نیز آمادگی داشته باشیم».

دراین‌میان، نقش اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر این رژیم، از نگاه صدقیان بسیار تعیین‌کننده است. او با نگاهی هشدارآمیز می‌گوید که «من احتمال بالایی می‌دهم که نتانیاوو در لحظات حساس دست به یک اقدام بزرگ بزند تا روند مذاکرات را تخریب کند. به هر حال، هرگونه توافق میان ایران و آمریکا به ضرر اسرائیل است و نتانیاوو به‌صراحت نشان داده که تمایلی به چنین توافقی ندارد». به گفته او، «این اقدام بزرگ می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که ممکن است یک عملیات تروریستی، یک اقدام امنیتی بزرگ یا حتی یک شوک منطقه‌ای باشد که فضای مذاکرات را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد. چنین اقداماتی این است که مسیر دیپلماسی را منحرف کند و دوباره شرایط را به سمت جنگ سوق دهد». تحلیلگر

### «شرق» بررسی می‌کند؛ در جبهه محاصره دریایی، بحث‌ها درباره احیای مذاکرات بار دیگر اوج گرفته است

# نفت، هرمز و نرد دیپلماسی

حوزه خاورمیانه همچنین به تحرکات اخیر اسرائیل در لبنان اشاره می‌کند و آن را در همین چارچوب قابل تحلیل می‌داند و توضیح می‌دهد که «وقتی می‌بینیم نتانیاوو در مناطق اشغالی لبنان حاضر می‌شود یا هم‌زمان سیگنال‌هایی با مذاکره و تنش ارسال می‌شود، این نشان‌دهنده یک بازی پیچیده است؛ بازی‌ای که هدف آن مدیریت صحنه به نفع اسرائیل و جلوگیری از شکل‌گیری توافق است».

تحلیلگر مسائل منطقه‌ای تأکید می‌کند که «شرایط کنونی نیازمند هوشیاری راهبردی است؛ یعنی ما باید هم‌زمان دو مسیر را دنبال کنیم؛ از یک سو دیپلماسی و مذاکره را با جدیت ادامه دهیم و از سوی دیگر، کاملاً آماده مواجهه با سناریوهای پریسک باشیم. تجربه نشان داده که در این منطقه، هیچ چیز قابل پیش‌بینی قطعی نیست». براساس این، جمع‌بندی صدقیان نشان می‌دهد که «اگرچه افق مذاکرات همچنان باز است و حتی احتمال دستیابی به توافق وجود دارد. اما هم‌زمان سایه تهدید، خراب‌کاری و بازگشت به درگیری نظامی نیز بر این روند سنگینی می‌کند؛ واقعیتی که معادلات پیش‌روی تهران و واشنگتن را بیش از هر زمان دیگری پیچیده و چندانیه کرده است.

#### حسن لاسجردی: باید هر دو سناریوی توافق و تشدید تنش را به‌صورت هم‌زمان مدنظر قرار داد

حسن لاسجردی به‌عنوان دیگر کارشناس در کپ‌وگفتش با «شرق» با تأکید بر وجود «تعارض منافع بنیادین» میان ایران و آمریکا، معتقد است که «باید این تحولات را در چارچوب یک رابعدر چندلایه از سوی واشنگتن تحلیل کرد». این تحلیلگر مسائل غرب آسیا در ادامه ضمن اشاره به فضای پس از مذاکرات اسلام‌آباد باور دارد «میان آنچه آمریکا دنبال می‌کند و آنچه ایران بر آن تأکید دارد، یک دوگانگی جدی وجود دارد. همین مسئله باعث شده مذاکرات به نتیجه نرسد و اکنون هم شاهد ترکیبی از فشار و پیام‌های دیپلماتیک باشیم». کارشناس حوزه بین‌الملل با یادداشت به اقدام آمریکا در طرح موضوع محاصره دریایی و محدودتر شدن تردد در تنگه هرمز، این اقدام را بخشی از یک «فشار ترکیبی» توصیف می‌کند و توضیح می‌دهد «ایالات متحده تلاش دارد با استفاده هم‌زمان از ابزارهای نظامی و دیپلماتیک، موفقیت خود را در مذاکرات احتمالی آینده تقویت کند. این فشارها می‌تواند در حوزه‌های مختلف ازجمله پرونده هسته‌ای، مسائل منطقه‌ای و حتی مدیریت تنگه هرمز اعمال شود». او در ادامه به نکته‌ای مهم درباره عملیات غنی‌سازی سیاست است اشاره و خاطرنشان می‌کند «برخی تحلیلگران معتقدند اقدام آمریکا نه‌تنها موجب بازشدن تنگه هرمز نشده، بلکه آن را عملاً محدودتر کرده است. چون پیش‌ازاین مدیریت تنگه عمدتاً در اختیار ایران بود. اما اکنون با ورود آمریکا، نوعی مدیریت دوگانه شکل گرفته که عملاً عبور و مرور را پیچیده‌تر و محدودتر کرده است». به گفته لاسجردی، «این وضعیت نتهتا ایران، بلکه سایر بازیگران بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، چون هرگونه فشار بر تردد در این آبراه، صرفاً متوجه ایران نیست، بلکه کشورهای دیگر ازجمله چین، هند و حتی متحدهن آمریکا را نیز درگیر می‌کند. از این منظر، این سیاست می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری در سطح جهانی داشته باشد». این تحلیلگر همچنین معتقد است «یکی از اهداف محرب اسرائیل مطرح می‌شود، جایی که به این بحران است، بنابراین به نظر می‌رسد واشنگتن تلاش دارد با این اقدامات، پای دیگر بازیگران به‌ویژه کشورهای شرقی را به این تنش بشار کند. این موضوع می‌تواند به نوعی بین‌المللی‌سازی بحران و افزایش فشار بر ایران منجر شود».

تحلیلگر حوزه غرب آسیا در پاسخ به این پرسش که آیا این فشارها در نهایت به توافق منجر خواهد شد یا می‌تواند نشانه‌ای از تشدید درگیری باشد، این تحلیل را دارد که «اقدامات ترامپ بیش از آنکه به معنای حرکت قطعی به سمت جنگ باشد، تلاشی برای گرفتن امتیاز بیشتر در مذاکرات است. درعین‌حال نمی‌توان احتمال تشدید تنش یا حتی بروز درگیری را نادیده گرفت». در بخش دیگری از این گفت‌وگو، موضوع نقش بازیگران منطقه‌ای در شرایط محرب اسرائیل مطرح می‌شود، جایی که لاسجردی با صراحت به نقش بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر این رژیم، در پیچیده‌تر شدن معادلات اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد «اسرائیل همواره تلاش کرده از شکاف‌ها و اختلافات منطقه‌ای بهره‌برداری کند. در موضوع لبنان نیز شاهد هستیم که این رژیم به دنبال تعمیق شکاف میان حزب‌الله و دولت لبنان است». او با اشاره به تحرکات اخیر دیپلماتیک و امنیتی در ارتباط با لبنان می‌افزاید «اسرائیل از طریق ارسال پیام‌ها، مذاکرات غیرمستقیم و حتی اقدامات میدانی، تلاش دارد شرایطی ایجاد کند که فشار بر حزب‌الله افزایش یابد. این موضوع می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در لبنان منجر شود».

به اعتقاد لاسجردی، «نقش آمریکا دراین‌میان تعیین‌کننده است؛ چون ایالات متحده می‌تواند در لبنان نقش تعدیل‌کننده یا برعکس، تشدیدکننده تنش را ایفا کند. اگر واشنگتن به سمت مدیریت بحران حرکت کند، احتمال کاهش تنش وجود دارد؛ اما اگر با سیاست‌های تهاجمی اسرائیل همراه شود، شرایطی می‌تواند به‌سرعت بحرانی‌تر شود». این کارشناس حوزه بین‌الملل در پاسخ به این سؤال که آیا نتانیاوو می‌تواند به‌عنوان یک «بازی خراب‌کن» در مسیر مذاکرات ایران و آمریکا عمل کند، تأکید دارد «این سناریو کاملاً مستبعد است. زیرا نتانیاوو در گذشته نیز نشان داده که از فرصتی برای برهم‌زدن روندهای دیپلماتیک استفاده می‌کند و در شرایط کنونی نیز ممکن است چنین رویکردی را در پیش بگیرد». در جمع‌بندی، لاسجردی اعتقاد دارد «تحولات اخیر را باید با نگاهی چندبعدی تحلیل کرد، چراکه ما با یک وضعیت پیچیده مواجه هستیم که در آن هم‌زمان نشانه‌هایی از تمایل به مذاکره و اعمال فشار دیده می‌شود. در چنین شرایطی، نه می‌توان به طور کامل خوش‌بین بود و نه بدبین؛ بلکه باید هر دو سناریو، توافق و تشدید تنش را به صورت هم‌زمان مدنظر قرار داد. براساس این، آنچه در شرایط کنونی بیش از هر چیز اهمیت دارد، درک دقیق از بازی چندلایه‌ای است که میان فشار، دیپلماسی و رقابت‌های منطقه‌ای در جریان است؛ بازی‌ای که آینده آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد».